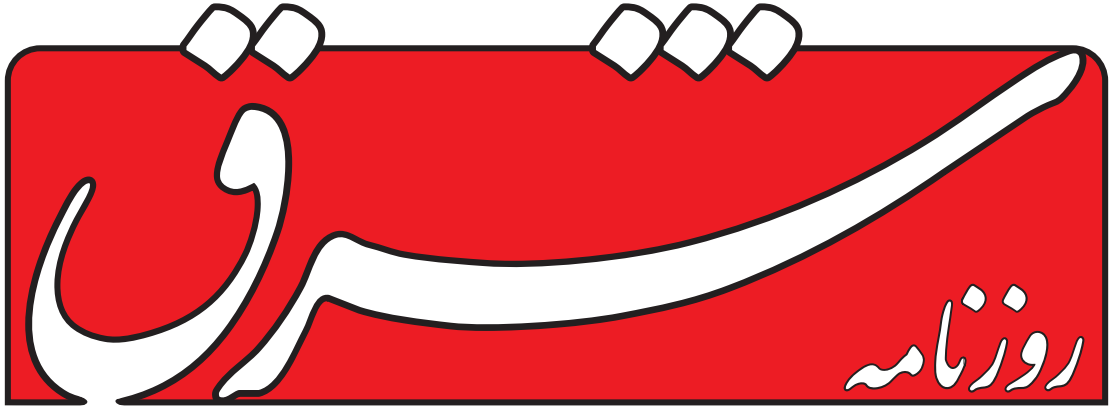




احمدغلامی

بعید است انتخابات پیش‌رو دوقطبی شود. حتی نامزدهایی همچون محمود احمدی‌نژاد و علی لاریجانی با فرض تأیید صلاحیت شدن از سوی شورای نگهبان هم قادر نیستند صفت‌بندی جدی‌ای در جامعه ایجاد کنند. این دوگانه‌سازی‌ها را می‌توان روی کاغذ در برابر یکدیگر نوشت: «لاریجانی در برابر جلیلی، قالیباف در برابر جهانگیری، زاکانی در برابر هرکس...». شاید دوگانه‌هایی که بیش از بقیه قادرند به انتخابات شوک بدهند، رودرویی چهره‌هایی همچون محمود احمدی‌نژاد با علی لاریجانی است؛ چراکه نزاع این دو چهره فراتر از رقابت‌های انتخاباتی است. با وجود این، رودرویی این چهره‌ها هم نمی‌تواند همچون سال‌های گذشته جامعه را دوقطبی کند. بعد از ناکام‌ماندن رؤسای جمهور سربرآورده از این دوقطبی‌ها در اجرای مطالبات مردم، این نوع قطبی‌سازی‌ها توان خود را از دست داده است. مهم‌تر از همه اینکه مردم به این آگاهی رسیده‌اند که رؤسای جمهور ناکزیرند در ساختاری دست به اقدام و عمل بزنند که این ساختار محدودیت‌های قانونی جدی پیش‌روی آنان گذاشته است. شاید بتوان گفت انتخابات، خاصه انتخابات ریاست‌جمهوری که یکی از مهم‌ترین انتخابات کشور است، مواجهه‌های احساسی بین طیف‌های مردم را از دست داده است. به معنای دیگر انتخابات منجر به غلبان احساسات سیاسی مردم نمی‌شود و جای آن را نوعی محاسبه‌گری عقلانی اقتصادی گرفته است. از واژه «اقتصادی» عاقدانه استفاده کرده‌ام تا نشان بدهم مردم به این آگاهی رسیده‌اند که برای تغییرات اجتماعی و سیاسی باید روی توان خود حساب کنند؛ چراکه هر رئیس‌جمهور منتخبی ناکزیر است کم یا زیاد در مسائل سیاسی و اجتماعی به آنچه در قانون، شرع، عرف و رویه آمده، عمل کند. اگر زمانی جنگ‌هراسی و ایجاد رابطه با آمریکا و اروپا می‌توانست کاتالیزور انتخابات باشد، دیگر چنین محرکی در کار نیست. تجربه زیسته سیاسی مردم آنان را به این نتیجه رسانده که تحقق مطالبات آنها سقف معینی دارد و تحقق این مطالبات در گرو تغییر اتی است، وگرنه اتفاق تازه‌ای در سیاست‌های انتخاباتی و حوزه عملکرد رؤسای جمهور رخ ندهد است. اینک این پرسش در برابر همه است که پاسخ چندان روشنی ندارد: چه کسانی در انتخابات شرکت خواهند کرد؟ مردمی که حامی جریان‌های سیاسی هستند، همچون حامیان اصلاح‌طلبان، اصولگرایان و به تبع آن پایدارها. مردمی که حامیان سیستم هستند فارغ از کرایش‌های حزبی، یعنی آنان حامیان نظام‌اند و الزاماً به اصولگرایان و طیف‌های وابسته به این جریان رأی نمی‌دهند، بلکه رای‌شان از روی تکلیف است. اما مردمی نیز وجود دارند که به شیوه‌ای حسابگرانه وارد انتخابات خواهند شد. برای آنان فرق است بین جهانگیری، جلیلی، لاریجانی و قالیباف. اینها مردمی هستند که رؤسای جمهور در زندگی اقتصادی آنان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و پیش و عملکرد اقتصادی و سیاسی آنان تأثیر مستقیمی بر کسب‌وکار و معیشت مردم دارد. برای این محاسبه‌گران خیلی تفاوت دارد که رئیس‌جمهور منتخب چه کسی را برای سمت وزیری وزارت ارشاد برمی‌گزیند یا چه کسی پست وزارت نفت را اشغال خواهد کرد. این اثرگذاری مستقیم در کسب‌وکار برخی مؤسسات و شرکت‌ها و صنایع این طیف را ناکزیر می‌کند این نامزدهای انتخاباتی یکی را بر دیگری ترجیح بدهند: عقل معاش‌اندیش، عقل ابزاری که در انتخابات ۱۴۰۰ از کار افتاده بود. واقعیت مشکلات و مسائل اقتصادی و اثر تصمیمات مخرب اقتصادی و سیاسی در مؤسسات، شرکت‌ها و بنگاه‌های این طیف را برمی‌انگیزد تا در انتخابات شرکت کند. هدف این نیست که این فهرست ادامه پیدا کرده و عیان کند چه کسانی در انتخابات شرکت می‌کنند یا نمی‌کنند، قصد تأکید بر این باور است که دوقطبی‌سازی‌هایی که می‌توانست دو توده کلان از مردم شکل بدهد، به جریان‌های خردتقلیل یافته است و مردم هر یک به دلیلی در انتخابات شرکت می‌کنند یا نمی‌کنند. اینجا مهم، افول دوقطبی‌سازی است که جایش را به دوگانه‌انگاری گنوسی در سیاست داده است. این دوگانه‌انگاری ارتباط وثیقی با سیاست به ما هو سیاست دارد و انتخابات عرضی از آن است. دوگانه‌انگاری گنوسی یعنی موجودیت منفرد دو انگاره که هر یک مستقل از یکدیگرند. سیاست در سال‌های اخیر خاصه بعد از وقایع ۱۴۰۱ ماهیتی گنوسی یافته است. مردم دیگر آمیدی به سیاست و چهره‌های سیاسی ندارند. چهره‌های سیاسی فاقد توانی‌اند که قادر باشند آنان را از شرور جهان برهانند.

شنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۳
۱ ذی‌الحجه ۱۴۴۵
۸ ژوئن ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۵۰
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



جعفر میلی‌منفرد، سرپرست وزارت آموزش عالی در دولت اصلاحات درگذشت

۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: عباس آخوندی، مسعود پزشکیان، اسحاق جهانگیری، کاندیداهای معرفی‌شده از سوی جبهه اصلاحات • پاسخ سازمان برنامه و بودجه کشور به «شرق»

توصیه انجمن اقتصاد ایران به نامزدهای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برای عبور از چالش‌های اقتصادی کشور

# به علم اقتصاد برگردید

کزارش تینریک را در صفحه ۴ بخوانید

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان، ضرورت افزایش مشارکت در انتخابات را با نگاه به پروسه تأیید صلاحیت‌ها و اجتناب از جناح‌گرایی بررسی کرد

## توصیه‌های یک دقیقه‌ای برای شورای نگهبان

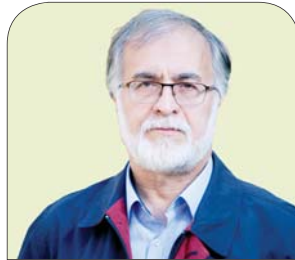
مهاجری: شورای نگهبان کار سیاسی بکند و به نفع افزایش مشارکت مردم در انتخابات روند بررسی‌ها را بی‌بگیرد

فلاح پیشه: شورای نگهبان قانون اساسی در بررسی روند صلاحیت نامزدهای انتخابات صرفاً به مراجع ذی‌صلاح توجه کند

عطریانفر: ساده‌ترین راه‌حل برای افزایش مشارکت مردمی ایجاد فضای لازم برای حضور همه سلیقه‌ها در عرصه رقابت انتخابات است

ساداتیان: نباید رفتارهای سیاسی که باعث بدسلیقگی در پروسه بررسی صلاحیت نامزدها شده‌اند، این بار مبنای عمل باشد

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید



## مسئله ایران و رئیس‌جمهور آینده

می‌کنند و عده‌ای دیگر ریشه‌های توسعه‌نیافتگی ایرانیان را ریشه‌های سیاسی می‌دانند و برخی تلفیقی از این عناوین را. شاید بتوان علت این اختلاف‌نظرها را در تعریف توسعه جست؛ چراکه توسعه فرهاد نیلی، اقتصاددان، معتقد است توسعه یک فرایند بلندمدت است که طی آن سطح بهره‌مندی انسان‌ها از موهاب زندگی به شکل پایدار و متوازن ارتقا می‌یابد و هسته کلیدی توسعه نیز امروز مسئله فقر است. همان‌طور که می‌بینیم در این امر همچنان چرایی عدم تحقق پاسخ این پرسش در رأس مسائل ایران وجود دارد. اینکه «چرا» مطالب آزادند مگر آنکه مغل به مبانی اسلام یا حقوق مردمی باشند». و البته همیشه همین مغل چنان تفسیربردار شده که گاهی حتی کلیت قانون را هم در بر گرفته است. تا رسیدیم به همین سال‌های اخیر و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و وضعیتیه که هر کس، هر چیزی، درباره هر موضوع و هر فردی را به هر نوعی که می‌خواهد می‌نویسد. اینکه می‌گویم هر نوعی، یعنی هر نوعی. ابتدا به نظر می‌رسد که داستان چندان مشکل نیست و با فیلترکردن یک بستر مجازی، می‌شود آن «هر کس، هر چیزی» را یک‌ظوری کنترل کرد، اما نتیجه این می‌شد که کاربران هر بستر، دسته‌جمعی از آن کوچ می‌کردند و به بستری دیگر می‌رفتند و داستان از نو شروع می‌شد تا دولت به فیلترینگ این یکی مبادرت می‌کرد و کوچ همگانی دیگری رخ می‌داد. اما وقتی این داستان کش‌دار شد و دوران گوازی‌های هوشمند رسید، کم‌کم از آن

یکی از پرسش‌هایی که همواره ذهن همه ایرانیان را به خود مشغول می‌کند، پرسش از مسئله اصلی ایران است. پرسشی که شاید برای اولین بار عباس‌میرزا در جنگ ایران و روس از ژورب نماینده فرانسه پرسید. «توسعه» موضوع اصلی این پرسش و به زعم نگارنده و بسیاری از پژوهشگران مسئله اصلی ایران از دیرباز تا امروز است. اگرچه امروز پس از گذشت بیش از ۲۰۰ سال از آن روزها و با توجه به پژوهش‌های صورت‌گرفته، پاسخ به این پرسش که «مسئله ایران چیست؟» روشن است. اما همچنان چرایی عدم تحقق پاسخ این پرسش در رأس مسائل ایران وجود دارد. اینکه «چرا» مطالب آزادند مگر آنکه مغل به مبانی اسلام یا حقوق مردمی باشند». و البته همیشه همین مغل چنان تفسیربردار شده که گاهی حتی کلیت قانون را هم در بر گرفته است. تا رسیدیم به همین سال‌های اخیر و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و وضعیتیه که هر کس، هر چیزی، درباره هر موضوع و هر فردی را به هر نوعی که می‌خواهد می‌نویسد. اینکه می‌گویم هر نوعی، یعنی هر نوعی. ابتدا به نظر می‌رسد که داستان چندان مشکل نیست و با فیلترکردن یک بستر مجازی، می‌شود آن «هر کس، هر چیزی» را یک‌ظوری کنترل کرد، اما نتیجه این می‌شد که کاربران هر بستر، دسته‌جمعی از آن کوچ می‌کردند و به بستری دیگر می‌رفتند و داستان از نو شروع می‌شد تا دولت به فیلترینگ این یکی مبادرت می‌کرد و کوچ همگانی دیگری رخ می‌داد. اما وقتی این داستان کش‌دار شد و دوران گوازی‌های هوشمند رسید، کم‌کم از آن

اما این انتظار با پیچیدگی‌هایی مواجه است و مصداق این مصرع معروف که لسان‌الغیب می‌گوید «ولی افتاد مشکل‌ها»؛ چراکه در پاسخ، افراد علل مختلف و گاهی متناقض و در نتیجه مسیرهای متفاوت را برای رسیدن به توسعه نام می‌کنند. عده‌ای ریشه‌های توسعه‌نیافتگی را مسئله‌های صرفاً اقتصادی می‌دانند و طبعاً راهکارهای اقتصادی برای دستیابی به آن بیان

استفاده شده است. در تطبیق شرایط ایران - پس از انقلاب - با تعاریف بالا به نظر می‌رسد هر زمان که زمینه حرکت در مسیر توسعه به لحاظ نیروی انسانی کارآمد و انباشت ثروت حاصل از فروش نفت و شرایط پایدار سیاسی فراهم شده، مسئله‌های سیاسی مانع تداوم وضعیت شده است.

استفاده شده است. در تطبیق شرایط ایران - پس از انقلاب - با تعاریف بالا به نظر می‌رسد هر زمان که زمینه حرکت در مسیر توسعه به لحاظ نیروی انسانی کارآمد و انباشت ثروت حاصل از فروش نفت و شرایط پایدار سیاسی فراهم شده، مسئله‌های سیاسی مانع تداوم وضعیت شده است.

### خانواده محترم میلی‌منفرد

مصیبت درگذشت دکتر جعفر میلی‌منفرد را تسلیت عرض می‌کنیم، برای آن مرحوم غفران و برای شما و سایر بازماندگان صبر مسنتل داریم.

روزنامه شرق

### سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۱۱۹ ۳۶ ۸۶۰

## قانون راندگی در جاده برای سفینه فضایی

مطبوعات و موارد متفرقه نیز به آن اضافه شده است. اما شاید بد نباشد اشاره شود که بحث و جدل پراندنه درباره مطبوعات و قیودی که همیشه بر آن زده شده، بر یک کلمه درازدامن و بسیار تفسیربردار تکیه دارد و آن کلمه چیزی نیست جز عبارت «مُخَل». به نظر می‌رسد آنچه همیشه قانون‌گذار نگران آن بوده، ایجاد اختلال ناشی از انتشار نظر در مطبوعات است و برای همین هم می‌بینیم که در اولین قانون مطبوعات چنین آمده که «طبق اصل بیستم از قانون اساسی عامه مطبوعات غیر از کتب ظلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است» و حالا هم در اصل بیست‌وچهارم قانون اساسی نیز آمده «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مغل به مبانی اسلام یا حقوق مردمی باشند». و البته همیشه همین مغل چنان تفسیربردار شده که گاهی حتی کلیت قانون را هم در بر گرفته است. تا رسیدیم به همین سال‌های اخیر و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و وضعیتیه که هر کس، هر چیزی، درباره هر موضوع و هر فردی را به هر نوعی که می‌خواهد می‌نویسد. اینکه می‌گویم هر نوعی، یعنی هر نوعی. ابتدا به نظر می‌رسد که داستان چندان مشکل نیست و با فیلترکردن یک بستر مجازی، می‌شود آن «هر کس، هر چیزی» را یک‌ظوری کنترل کرد، اما نتیجه این می‌شد که کاربران هر بستر، دسته‌جمعی از آن کوچ می‌کردند و به بستری دیگر می‌رفتند و داستان از نو شروع می‌شد تا دولت به فیلترینگ این یکی مبادرت می‌کرد و کوچ همگانی دیگری رخ می‌داد. اما وقتی این داستان کش‌دار شد و دوران گوازی‌های هوشمند رسید، کم‌کم از آن



مهرداداحمدی‌شخانی

به عنوان کسی که بیش از ۴۰ سال است به‌صورت مستمر و حرفه‌ای در حوزه مطبوعات و نشر فعالم و البته چند سالی را هم پیش از انقلاب و حتی از نوجوانی و به شکلی آماتور وارد این حوزه شده‌ام، آنچه خواسته یا ناخواسته با آن سر و کار دارم، قانون مطبوعات است. درست مثل راننده‌ای که با قوانین راهنمایی و رانندگی سر و کار دارد. اما این قانون مطبوعات فرایندی داشته و در طول زمان تغییراتی کرده که اشاره و اطلاع از آن بد نیست. اولین قانون مطبوعات مانند تمام قوانین دیگر کشور، سابقه‌اش به پس از مشروطه برمی‌گردد که اصلاً قبل از آن، هرچه بوده، فرامین بوده و نه قانون و فرامین هم موقوف به میل حاکم صادر می‌شده. همان که به معروف است به «امر امیر سلطان است». و اما با انقلاب مشروطه و استقرار اولین مجلس شورای ملی، تدوین قوانین در حوزه‌های مختلف نیز آغاز شد که قانون مطبوعات، یکی از آنهاست و اولین قانون مطبوعات هم مصوب همین مجلس در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ است و ۵۲ ماده و ۶ فصل داشت که چنانچه در کتاب‌فروشی و طبع کتاب، روزنامه‌جات مقرر، اعلانات، حدود تقصیر نسبت به جماعت و محاکمه را شامل می‌شد. در ۱۵ بهمن ۱۳۳۱ و زمان صدارت مرحوم محمد مصدق، طبق قانون اعطای اختیارات به نخست‌وزیر، قانون مطبوعات در ۴۶ ماده و ۱۱ تبصره به تصویب رسید. بعد از کودتای آمریکایی-انگلیسی علیه دولت قانونی و ملی دکتر مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به موجب قانون الغای کلیه لوائح مصوب او، قانون دوم نیز لغو شد. تا اینکه به تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۳۴، مجلس هجدهم قانون جدید مطبوعات را با همان سرفصل‌های پیشین و با تغییراتی جزئی در ۴۲ ماده به تصویب رساند. این قانون مستقر بود تا انقلاب اسلامی رسید و موسم نکاهی تازه به مطبوعات و حق آزادی بیان شد و حاصل آن، ورود موضوع مطبوعات به قانون اساسی و دو اصل بیست و چهارم و یکصد و بیست و هشتم بود که پس از آن شورای انقلاب، قانون مصوب ۱۳۳۴ را لغو و لایحه ۴۱ ماده‌ای قانون مطبوعات را در ۲۰ مرداد ۱۳۵۸ تصویب و برای اجرا به دولت موقت ابلاغ کرد که البته این لایحه عمر درازی یافت و مجلس شورای اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۶۴ و چهار روز پس از سالگرد اولین قانون مطبوعات، قانون جدیدی در ۶ فصل، ۳۶ ماده و ۲۳ تبصره تصویب کرد که پس از تأیید شورای نگهبان به دولت ابلاغ شد. این قانون البته در دوره‌های مختلف اصلاحاتی یافت و درمورد آن بحث و جدل‌های پراندنه‌ای هم در گرفت که واکنش‌های اجتماعی بسیاری هم داشت. در هر صورت حالا، قانون مورد اجرا در کشور ۲۸ ماده‌ای است و دو فصل هیئت‌منصفه

### برگزیده‌ها

کزارش «شرق» از تغلفات گسترده در امتحان نهایی بزرگسالان

### دیپلم پولی برای آینده‌سازان فردا

سردرگمی جو بایدن در مراسم هشتادمین سالگرد ورود متفقین به نورماندی در فرانسه

### زوال یک رئیس‌جمهور

گفت‌وگو با کارگردان نمایش «آنها دروغ می‌گویند»

### سفری از کم‌دی به تراژدی

### مراقب امیر قلعه‌نویی باشید

### بررسی سکوت قضائی در پرونده باغ ازگل

### یادداشت

### یار شاطر نه بار خاطر...



به‌نمان جوزی

رئیس انجمن صنعت ساختمان

مدت‌هاست فرساده می‌زنیم و می‌نویسیم که صنعت گردشگری و جذب توریست خارجی و داخلی (که من به‌جند معتقدم ایران در کام نخست نیازمند سرمایه‌گذاری و جذب توریست داخلی است) احتیاج به همکاری و حضور فعال بخش خصوصی دارد. چندی پیش مصاحبه‌ای کوتاه از آقای ضرغامی، وزیر گردشگری توچهم را جلب کرد که گفته بود: «امکانات دولتی در حدی نیست که در حوزه گردشگری سرمایه‌گذاری کنند». بله قطعاً همین‌طور است آقای وزیر؛ امکانات در حدی نیست که در حوزه گردشگری سرمایه‌گذاری شود. وقتی تأمین قوت روزانه مردم مشکل شده و مشکلات اقتصادی از هر سو به دولت فشار می‌آورد، طبیعی است که تأمین مایحتاج اولیه مردم و رفع نیازهای اقتصادی و امنیتی کشور در اولویت باشد. مزید اطلاع در دنیا نیز چنین است و هدف دولت‌ها تأمین مایحتاج مردم و امنیت است و معمولاً سرمایه‌گذاری در بخش توریسم در کمتر کشوری مستقیماً به دولت سپرده شده است. اصولاً صنعت توریسم برای دولت صرفاً باید درآمدزا باشد نه هزینه‌بر. متأسفانه نبود برنامه مناسب و نبود نقشه راه دقیق که ابعاد اقتصادی و فرهنگی این حوزه در آن تبیین شده باشد، کار را به جایی رسانده که می‌بینیم وزیر محترم، متأسف از این می‌شود که امکانات دولتی (بقرامید سرمایه دولتی) در حدی نیست که در حوزه گردشگری هزینه‌کنند. در حالی که با یک نقشه راه درست، دولت باید از بخش توریسم و گردشگری بخشی از هزینه‌های خود را تأمین کند و این صنعت علاوه بر آنکه به گردش اقتصاد دولتی کمک کند، به گردش اقتصاد مردم نیز با ایجاد اشتغال و درآمدزایی‌های پنهان و پیدا کمک کند.

### جناب آقای دکتر حیدر کریمی

(جراح و متخصص قلب و عروق)

فکر بستری شدن در بیمارستان ترسناک است،

اما پزشکان دلسوزی مانند شما هستند که آن را به

محیطی پر امید و دوستانه و دلنشین تبدیل می‌کنند

از زحمات شما پزشک متبجر، مهربان، دلسوز

و متعهد کمال تشکر را دارم.

قادر پناه - امیر مظاهری

ادامه در صفحه ۹

ادامه در صفحه ۹

ادامه در صفحه ۱۱

ادامه در صفحه ۱۱